



تاویل سنت‌های الهی در قرآن

ابراهیمی، هادی^۱

زرنگار، احمد^۲

زارعی، حدیثه^۳

چکیده

این عالم، در تمامی ساحت‌هایش، دارای قوانین و اصولی است، همان‌طور که در عرصه علوم تجربی قوانینی بر بعد مادی اشیاء حاکم است در عرصه مادی و معنوی زندگی بشر نیز قوانینی وجود دارند. این قوانین که در عرف دینی به آن سنت گفته می‌شود بر تمامی زندگی بشر سایه انداخته است. بدیهی است شناخت این قوانین که سرنوشت دنیوی و اخروی بشر در گرو آن قرار دارد، بسیار ضروری است. این مقاله با تاکید بر تفسیر المیزان، نمونه و نور به روش کتابخانه‌ای تهیه شده است. در این مقاله کوشش شده است با تحلیل مفهوم سنت و معرفی اجمالی انواع سنت‌های الهی، سنت‌هایی که بر سرنوشتی و نابودی حکومت‌ها و گروه‌هایی ضد دینی، اجتماعی و مدنی اشاره دارند، معرفی گردند. سعی شده است تا افق‌های جدیدی از مباحث آزمایش و امتحان خداوند سبحان گشوده شود؛ باشد که نسل نواندیش در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی و سلطه فکری بیگانگان که یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های آزمایش الهی است، به ابزار لازم مجهز شوند و تبلیغات آنان در انحراف فکری و اخلاقی جوانان بی‌نتیجه ماند؛ زیرا نمی‌توان این حقیقت را انکار کرد که موفقیت در آزمون‌ها و امتحانات در گرو شناخت زمینه‌های امتحان و ابتلا، آگاهی از راز و رمز پیروزی در آزمایش‌های الهی، آگاهی از عوامل گمراه‌کننده و چگونگی برخورد و رویارویی با عوامل ایجاد انحراف است.

کلید واژگان: قرآن، تاویل، سنت‌های الهی.

^۱ استادیار - دکترای تخصصی

^۲ دانشیار - دکترای تخصصی

^۳ کارشناسی ارشد

مقدمه

کشف معانی و مفاهیم قرآن از گذشته تاکنون، اهتمام ویژه قرآن‌پژوهان و مفسران بی‌شماری را معطوف خود داشته است. سبک منحصر به فرد قرآن کریم به گونه‌ای است که با وجود پیچیدگی‌های تفسیر و تبیین آن، معانی ظاهری ساده و قابل دسترسی برای سطوح متفاوت مخاطبانش عرضه داشته و دور از فهم نمی‌نماید (راستگو و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲۷). مراد از تأویل، در عرف قرآن، به نظر علامه طباطبایی، حقیقتی واقعی، عینی و الیست که ممکن نیست در چهارچوب واژگان بگنجد و همه بیانات قرآنی، مستند به چنین پشتوانه‌هایی هستند که خدای متعال برای نزدیک ساختن آن‌ها به فهم بشری، آن‌ها را به نوعی در قالب واژگان و عبارات‌ها درآورده و نسبت آن‌ها به هم، نسبت ظاهر به باطن و شبیه ضرب‌المثل‌هایی است که مراد گوینده را متناسب با فهم شنونده ساخته و به درک او نزدیک و برایش آشکار می‌سازند.

چنان‌که قرآن برای خود خاستگاهی به نام ام‌الکتاب (لوح محفوظ) در نزد خدا ذکر می‌کند (الزخرف/ ۴) و رابطه این دو با هم، رابطه تنزیل با تأویل است. بر این اساس، تأویل، حقیقتی خارجی است که معنای کلام به آن تکیه دارد، ولی خود از نوع معانی نیست، همچون اموری که در روز قیامت رخ خواهند داد و تأویل اخبار پیامبران و رسولان و کتاب‌های آسمانی خواهند بود. خلاصه این‌که معانی قرآن، ترجمانی از حقایق بیرونی آن هستند که از نظرهای عادی پوشیده‌اند و در قیامت ظهور می‌کنند و قرآن آن‌ها را «تأویل» می‌نامد و بر این اساس، مقصود از عینیت، عینیت مصداقی نیست، بلکه صرفاً خارج از ذهن بودن آن است (مؤدب و دلیر، ۱۳۹۷: ۳۴).

قانون و سنت خداوند بر این است که نه تنها انسان، بلکه تمامی آفریدگان، با توجه به سعه وجودی خود به سمت کمال خاص خویش حرکت کنند، ولی در هر حرکت و سیر و سلوک به مقصد و مقصود، رهنمان و سارقانی یافت می‌شوند که به قافله بشریت هجوم می‌آورند. از این رو، اسلام راه مستقیم و درست را از بیراهه مشخص کرده است. آنان که گام در مسیر ولایت شیطان گذاشته و دل به هوا و هوس سپرده‌اند، به جایی می‌رسند که همه هستی، حتی «دل» خویش را که حرم الهی است، چراگاه شیطان می‌کنند و هستی آن را به تاراج دهند، ولی دلدادگان حضرت حق و جویندگان کوی دوست، در مسیر حق و حقیقت‌پایداری کرده و ظواهر فریبنده دنیا آنان را منحرف نمی‌کند و در مسیر پرپیچ و خم سیر و سلوک، گردها را یکی پس از دیگری طی می‌کنند و پس از پشت سر گذاشتن موانع، پیروزی را در آغوش می‌گیرند. این گروه، کسانی هستند که از هنگام بلوغ تا مرگ، مورد آزمایش‌های زیادی قرار گرفته و سرانجام، سربلند و سرافراز



بیرون آمده‌اند و چنان دل به ولایت و محبت خدا سپرده‌اند که همه چیز جهان، از نعمت و خوشی و ناخوشی، رفاه و رنج، ثروت و تنگ دستی، جوانی و پیری و غیره، را وسیله امتحان پروردگار خویش می‌دانند.

در یک کلام، دنیا را مدرسه‌ای می‌دانند که آغاز و انجام آن همه تعلیم، تعلم، تلاش، کوشش و آزمایش است و همواره این سخن گهربار امیرمؤمنان (ع) را آویزه گوش دارند که فرمود: «بدان که دنیا، سرای آزمایش است.» از سوی دیگر، گروه رقیب نیز همواره در معرض امتحان و آزمایش‌اند، زیرا آنان که دل به ولایت شیطان سپرده‌اند و همه امکانات و نعمت‌های مادی و غیر مادی را برای برآورده کردن هوا و هوس و خواسته‌های نفسانی خویش به کار می‌گیرند، نیز امتحان می‌شوند تا حجت خداوند بر همگان تمام شود و عذری برای هیچ کس باقی نماند (غفاری، ۱۳۸۵: ۱۰).

در قرآن انسان‌ها به خردورزی و اندیشیدن به ویژه در مورد حوادث و فرآیندهای تاریخی دعوت شده‌اند، تا ضمن عبرت‌آموزی، برای خودسازی و ساختن دیگران، علل پیشرفت و انحطاط امت‌ها را کشف کنند. این تغییر و تحول یکی از سنت‌های مهم و غیرقابل تحلف دستگاه آفرینش است. ایمان و عمل صالح و یا کفر و فساد انسان‌ها در چگونگی شکل‌گیری اتفاقات آینده بشر و حتی در نظام عالم تاثیر دارد و عوامل مختلفی همچون نادیده گرفتن رابطه با پروردگار، مبارزه با پیامبران و منادیان حق، ظلم و بی‌عدالتی و غیره، در سقوط و طلوع تمدن‌ها دخیل هستند. البته سرانجام مشقت‌ها و بدبختی‌های انسان پایان می‌پذیرد، چراکه سنت تغییرناپذیر خدا بر این قرار گرفته است که در واپسین حرکت تاریخ، تنها بندگان شایسته و وارسته خدا وارثان زمین خواهند بود. بی تردید، وعده الهی براین محقق شد که جریان حق به میزانی که تلاش می‌کند و در مسیر حق از خودش مقاومت نشان می‌دهد، و از بی‌عملی یا کج عملی فاصله می‌گیرد، با نصرت مضاعف الهی روبرو می‌شود (حبیبی و تیموری، ۱۳۹۷: ۹-۱۱).

با این وصف، برای نمونه، یک گروه کوچک به نام حزب الله لبنان که یکی از موالید انقلاب اسلامی است، جریان سلطه را به ذلت کشانده است. امروز در یمن، یک گروهی به نام انصارالله متأثر از انقلاب اسلامی با یک مقاومت جانانه، جلوی یک توطئه عظیم را گرفته است، در سرنگونی داعش، محور مقاومت با همه تنگناهایی که با آن روبرو بود، یک تنه در برابر همه دنیا ایستاد و اجازه نداد که معادلات شیطانی در این منطقه پیاده بشود. در حقیقت، گسترش ایمان و تقوا در جهان و ورود تعالیم اسلامی به درون علوم، ساختارها و نظام‌ها و تبدیل کلمه حق به گفتمان‌های عظیم، و قدم گذاشتن در مدار حق، نه فقط بسیاری از

گرفتاری‌ها و تنگناها را از زندگی بشر برطرف می‌کند، بلکه شرایط را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مهیا می‌کند (غلامی، ۱۳۹۷).

در واقع، هر میزان قوانین الهی عمیق‌تر فهم و باور شود، هر قدر جریان حق به سرمایه‌های درونی خود واقف و مؤمن شود و هر میزان از این سرمایه‌ها شجاعانه و بدور از انفعال و وادادگی در عرصه عمل بهره‌گیری شود، به زمان بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی نزدیک‌تر خواهیم شد با این ملاحظه که مطابق سنت الهی، یک قدم جریان حق، به هزاران قدم مبدل می‌شود. یعنی اگر در این راه قدم بگذاریم، خیلی زودتر از این‌که تصور بشود به مقصد خواهیم رسید. آنچه در بحث امتحان الهی اهمیت زیادی دارد، ترسیم آن برای همه، به ویژه جوان با صفا و پاک‌ضمیری است که دل آنان با نیکی انس بیشتری دارد و به تازگی در سیر و سلوک الهی گام گذاشته‌اند؛ به‌همین دلیل، بیشتر از دیگران نیازمند آشنایی با آفات، موانع و مشکلات راه هستند. این پژوهش بر آن است تا به تاویل سنت‌هایی که بر سرنگونی و نابودی گروه‌هایی ضد دینی، اجتماعی و مدنی نظیر داعش اشاره دارند، بپردازد.

۱- معناشناسی تاویل

تاویل و باطن قرآن کریم از دیرباز در مباحث قرآنی مطرح و محققان شیعه و سنی به بررسی و واکاوی زوایای مختلف آن عنایت و اهتمام داشته‌اند. ابن‌فارس در مقایس اللغه آورده است که «أول»، دارای دو اصل است. نخست ابتدای امر، که واژه اول، به معنای ابتدا از این اصل است. دوم، انتهای امر. تاویل کلام به معنای عاقبت و سرانجام کلام، از این باب است و آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ» (اعراف/ ۵۳) در همین معنا استعمال شده است؛ یعنی سرانجام کتاب خدا را هنگامی که برانگیخته می‌شوند، در می‌یابند. ابن‌جوزی معتقد است که تاویل، انتقال دادن کلام از جایگاه اصلی خویش، به جایگاهی دیگر است که اثبات آن، نیازمند دلیل است که اگر آن دلیل نباشد، ظاهر لفظ رها نمی‌شود (بخشنده بالی، ۱۳۹۷: ۱۱۲). تاویل به معنای تفسیر بیان غیرواضح، برگرداندن از معنای ظاهر به باطن نیز آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۱۲). مهم‌ترین معنای تاویل، انتقال از معنای ظاهر به معنای غیرظاهر است (تلمسانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷۷). این معنا، آن‌قدر در لسان متکلمان، اصولیین و مفسران به کار رفته که ذهن انسان هنگام شنیدن این لفظ به این معنا متبادر می‌شود. علامه طباطبایی درباره معنای اصطلاحی تاویل معتقد است، تاویل حقیقتی است واقعی که بیانات قرآنی چه احکامش، و چه مواعظش، و چه حکمت‌هایش مستند به آن است، چنین حقیقتی



در باطن تمامی آیات قرآنی هست، چه محکم‌ش و چه متشابه‌ش و نیز بگوئیم که این حقیقت از قبیل مفاهیمی که از الفاظ به ذهن می‌رسد نیست، بلکه امور عینی است که از بلندی مقام ممکن نیست در چارچوب شبکه الفاظ قرار گیرد و اگر خدای تعالی آن‌ها را در قالب الفاظ و آیات کلامش در آورده، در حقیقت از باب -چون که با کودک سر و کارت فتاد- است، خواسته است ذهن بشر را به گوشه‌ای و روزنه‌ای از آن حقایق نزدیک سازد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۷۵). از سویی، قرآن کریم به دلیل فراحسی بودنش دارای معنای باطنی است. این مفاهیم تنها در روز قیامت بر همگان آشکار می‌شود و نیز در دنیا جویندگان حقیقت نیز به مسیر هدایت رهنمون خواهند شد (بخشنده‌بالی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

۲- سنت الهی

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان سنت‌های الهی یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آن‌ها، به‌خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است. به عبارتی دیگر، خداوند (جل شأنه) قوانین و برنامه‌هایی را برای خود معین کرده و قوانینی را برای مردم، که از طریق انبیا اعلام کرده است. به قوانینی که خداوند برای خودش تعیین کرده است، سنت الهی «سنة الله» (سوره احزاب، آیه ۱۳۸) می‌گویند. مراد از سنت‌های الهی، قوانین محکم و استواری است که پایه و اساس نظام موجود در این جهان و جهان دیگر است. از جمله، قانون هدایت، «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (لیل / ۱۲)؛ قانون حسابرسی، «إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشیه / ۲۱)؛ قانون رزق رسانی، «عَلَى اللَّهِ رِزْقَهَا» (هود / ۶)؛ قانون حمایت، «أَنَا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا» (غافر / ۵۱) و قانون رحمت، «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام / ۵۴).

در این میان، به قوانینی که خداوند رحمان برای مردم تعیین کرده است، احکام و تکالیف شرعی گفته می‌شود. در حقیقت، مراد از سنت‌های الهی، قوانین محکم و استواری است که پایه و اساس نظام موجود در این جهان و جهان دیگر است. از آنجایی که خالق متعال، حکیم و عادل است، نظامی را آفریده است که نظام اکمل و اصلح است، در این نظام هر چیزی در جای خود قرار گرفته است و طبق قوانین محکم و متقن و تغییر ناپذیر حرکت می‌کند و اداره می‌شود که اگر این قوانین (سنت‌ها) نباشند تمام اوضاع

جهان به هم می‌ریزد. این قوانین دو دسته هستند؛ یک دسته از آن‌ها در عالم تکوین است مثل جاذبه زمین، سوزندگی آتش، خواص هر یک از عناصر، مواد و غیره، آیا جهان ماده بدون وجود این قوانین می‌تواند وجود داشته باشد؟ اگر در یک جاذبه زمین وجود داشته باشد و روز دیگر وجود نداشته باشد و غیره، چه وضعیتی در جهان پدید خواهد آمد؟ پس برای این که جهان ماده بتواند منظم باشد، باید بر طبق یک سری قوانین و سنت‌های لایتنیغیر اداره شود، همان‌طور که این چنین هم هست. بنابراین، شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند (قدس‌آنلاین، ۱۳۹۵).

۲-۱ تاویل سنت‌ها و قوانینی از جانب خدا برای انسان‌ها

بی‌تردید، جوامع انسانی، مقهور سنن قاطع و خلل‌ناپذیر الهی هستند (اعراف/ ۳۴)، (یونس/ ۴۹)، (حجر/ ۴ و ۵) و (طه/ ۱۲۸ و ۱۲۹)، چنان‌که مثلاً پدیدارشدن سردمدارانی بدکار و مکار در هر جامعه (انعام/ ۱۲۳) یا گردش شکست و پیروزی در جوامع بشری (آل‌عمران/ ۱۴۰) یا ابتلای همه پیامبران به دشمنانی از شیطان‌های جن و انس (انعام/ ۱۱۵)، یا حاکمیت یافتن ستمگران بر مردم ستم‌پیشه (انعام/ ۱۲۹) از سنت‌های همیشگی خداوند است و نمی‌توان امید داشت که این سنت‌ها و گروه‌های اجتماعی در جامعه خودنمایی نکند و اتفاقی در این حوزه نیفتد. لذا، سنت‌های الهی ارتباط تنگاتنگی با اعمال و رفتار آدمی دارد و اعمال انسانی نقش تعیین‌کننده و تغییردهنده در جابه‌جایی سنت‌ها و تغییر آن‌ها دارد. البته این امر هیچ ربطی به تبدیل و تحویل خود سنت ندارد، بلکه آنچه اتفاق می‌افتد تغییر سنت با تغییر رفتار آدمی و جوامع است. به سخن دیگر، سنت خدا در تداوم نعمت‌های ارزانی شده به جوامع یا تغییر آن‌ها، وابسته به نوع عملکرد اقوام و ملت‌ها است (انفال/ ۵۳) و (رعد/ ۱۱). با این وصف، تغییر سنت غیر از تبدیل (جایگزین شدن) و تحویل آن است. به طور مثال اگر زمانی سنت برکت بر جامعه‌ای حاکم و جاری بود، در اثر گناه و فسق و فجور افراد آن جامعه، سنت برکت به سنت بی‌برکتی و قحطی تغییر می‌کند.

در این حالت، تغییر در نفس سنت نیست بلکه این تغییر و جایگزینی به سبب تغییر رفتارهاست. پس در خود سنت‌ها تبدیل و تحویلی صورت نمی‌گیرد، بلکه در اثر عملکرد انسان‌ها سنتی تغییر می‌کند و سنتی دیگر حاکم می‌شود. اما در تبدیل، سنتی برداشته شده و سنتی دیگر در جای آن قرار می‌گیرد. پس سنت‌ها خود به خود تبدیل و تحویل نمی‌شود، بلکه با تغییر علل و عوامل، این تغییرات ایجاد می‌شود. بنابراین

سنت‌های الهی محیط و حاکم بر رفتارهای انسان است و جوامع انسانی هر نوع تفکر و سلوک و رفتاری را برگزینند به تناسب آن، سنت‌های الهی بر سرنوشت‌شان حاکم می‌گردد. خداوند سبحان می‌فرماید: «مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان / ۷۰)؛ کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌های‌شان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است. هم‌چنین می‌فرماید: «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ...» یعنی: «این نیرنگ‌ها تنها دامن صاحبانش را می‌گیرد.» (فاطر / ۴۳)، به بیان دیگر یکی از سنت‌های الهی این است که هر کس بدی و مکر و حيله کند، نتیجه‌اش به خودش برمی‌گردد. یکی دیگر از سنت‌های الهی این است که می‌فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» یعنی: «...خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آن‌چه را در خودشان است، تغییر دهند...» (رعد / ۱۱) و همین‌طور است سنت آزمایش و امتحان انسان‌ها و صدها قانون و سنت دیگری که براساس حکمت خداوند ایجاد شده و در سراسر عالم رایج است. این‌ها اساس نظم عالم هستند و اگر این سنت‌ها نباشند دیگر نظم و نظام معنی نخواهد داشت (مقصودلو، ۱۳۹۶).

۳- معانی سنت

سنت یعنی، روش مستقیم و پایدار و مستمر و متوالی؛ عملی که حدود معین و مشخصی دارد؛ عملی که مداوم ولی فانی در شخص است. معنای اول مخصوص خداوند است و معنای دوم و سوم مناسب با فعل نبی (صلی الله علیه و آله) است. هم‌چنین، سنت به معنای حکم و قضای قطعی، عبارت است از قوانین کلی و تخلف‌ناپذیر که تبیین روابط پدیده‌ها در نظام آفرینش و شرح و تبیین قانونمندی هستی و چگونگی عملکرد آن قوانین در جهان هستی را به عهده دارد. بنابراین، سنت در این معنا، شامل قوانین علی و معلولی حاکم بر نظام عالم و آدم و پدیده‌ها، مانند قوانین حاکم بر جامعه، تاریخ و تحولات آن‌هاست. بر همین اساس، از دیدگاه قرآن، سنت خدا در راستای محو و نابودی شرک و استکبار و وراثت مؤمنان بر جهان در حرکت است. یا سنت «امداد» که کلی‌ترین سنتی است که خداوند در پی اعمال انسان‌ها اعمال می‌کند؛ بدین معنی که خداوند هم کسانی را که طالب دنیا و کمالات مادی و این جهانی باشند و در راه باطل و شر گام گذارند، یاری و کمک می‌کند و هم کسانی را که خواستار آخرت و کمالات معنوی و آخرتی باشند و در

طریق حق و خیر گام نهند؛ یعنی وسایل پیشرفت و نیل به هدف را برای هر دو دسته فراهم می‌سازد.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۳۵).

۴- خصوصیات سنت الهی

سنت‌های الهی دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند. مهم‌ترین خصوصیت آن‌ها که صریحا در قرآن ذکر شده، این است که تمامی مستند به باری تعالی می‌باشند، یعنی تحت تدبیر و اداره او هستند. جریانات کلی و عمومی هستند که در رودخانه زندگی فردی و اجتماعی جاری می‌باشند. شمولیتی فراگیر بر تمامی مصادیق گوناگون در زمان‌ها و شرایط محیطی بسیار متفاوت دارند. آن‌ها هیچ نوع وابستگی به گذشته، حال، آینده ندارند، یعنی، سنن الهی تمامی زمان‌ها حتی آینده را در برمی‌گیرد و هرگز مشمول گذشت زمان، کهنه و از مد افتاده نمی‌شود. فرا مکانی بودن سنن الهی نیز یکی از ویژگی‌های بارز این قوانین می‌باشد، یعنی هیچ نوع وابستگی به محدوده‌های جغرافیایی و انواع تقسیم‌بندی‌های ایجاد شده بر اساس نژاد خاص یا فرهنگ خاص یا منطقه و کشوری خاص ندارند. تداومی قطعی و بدون تغییر و تبدیل دارند. بعضی از سنن مقدمه و زمینه‌ساز جاری شدن سنن دیگری هستند. مثلا توبه، استغفار، توکل، دعا که خود، جزء سنن الهی هستند در عین حال باعث جاری شدن و یا جاری نشدن سنت‌هایی دیگر می‌شوند. پس سنن الهی در تعارض و تنافی با یکدیگر نیستند. در هیچ لحظه‌ای عالم هستی از وجود سنت‌های خدا خالی نیست؛ هر لحظه، سنن متعددی در عرض هم و در طول یکدیگر در حال اجرا می‌باشند. تمامی سنن، مقید الهی و سنن اخروی با سنت اختیار و اراده آدمی تعارض ندارند بلکه مکمل هم می‌باشند. نتیجه مهم‌تر این که هرگز نمی‌توان سنت‌ها و قوانین الهی را از ویژگی‌هایش جدا کرد، یعنی خطی کشید و ویژگی‌ها را در سمتی و سنت‌ها را در سمتی دیگر قرار داد. لذا، هر جاکه قانون الهی قابلیت اجرا پیدا کرد، لازمه آن این است که ویژگی‌های مشترک و مخصوص هر قانونی نیز اجرا شود (میرفخرالدین، ۱۳۹۳).

۵- تقسیم‌بندی سنت‌های الهی

سنت‌های الهی در یک تقسیم‌بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱. **سنت‌های مطلق**، سنت‌هایی هستند که متوقف بر چیزی نیستند و در واقع قوانین اساسی آفرینش و تدبیر انسان هستند. لذا ثابت و عمومی هستند و به عبارت دیگر، این سنت‌ها استثنای پذیر نیستند و شامل همه انسان‌ها و دائمی و همیشگی هستند و هیچ سنت دیگری نمی‌تواند بر آن‌ها حاکم شود؛ ۲. **سنت‌های مقید**: سنت‌هایی هستند که تحقق آن‌ها متوقف

بر مقدماتی است که فراهم ساختن آن مقدمات در اختیار انسان است. این سنت‌ها قابل تغییر و تبدیل هستند و ممکن است بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر، در شرایط خاص، مقدم باشند (بهارلویی، ۱۳۸۵).

در ادامه به توضیح و بیان سنت‌های مطلق پرداخته می‌شود:

۵-۱. سنت آفرینش به وجه احسن: در نگاه قرآنی انسان به بهترین و نیکوترین وجه ممکن آفریده می‌شود، «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴) و این کمال و احسنیت وجه در تمام موجودات وجود دارد و به عبارتی همه موجودات در کمال مرتبه وجودی خود قرار دارند (صادق‌پور، ۱۳۹۷).

۵-۲. سنت هدایت تکوینی: هدایت تکوینی موجودات و هدایت فطری انسان نیز از جمله سنت‌های حاکم بر نظام طبیعت هستند. خداوند در آیه شریفه «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰) به هدایت تکوینی اشاره نموده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه بیان می‌کند که مراد از هدایت، هدایت عمومی است که دامنه‌اش تمام موجودات را فراگرفته است، نه هدایت مخصوص به انسان‌ها. هدایت هر چیزی عبارت از نشان دادن راه به آن است، راهی که آن را به مطلوب خود برساند. پس هر چیزی که مجهز به جهازی شده که او را به چیزی برساند و او را بدان مربوط کند، در حقیقت، به سوی آن چیز هدایت شده است و به این اعتبار، هر چیزی با جهازی که بدان مجهز گشته، به سوی کمال خود هدایت شده است و هادی او خداست (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۴: ۱۶۷).

۵-۳. سنت هدایت فطری: روشن‌ترین آیه در این باره همانا آیه ۳۰ سوره روم است که به آیه فطرت شهرت دارد، چنان‌که می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم / ۳۰). فطرت مانند طبیعت و غریزه، یک امر تکوینی و جزء سرشت انسان است. اکتسابی نیست و از غریزه آگاهانه‌تر است. شایان ذکر است که انسان در عین برخورداری از ویژگی‌های فطری، از ویژگی‌های طبیعی و غریزی نیز برخوردار است. بدین جهت، قوانین طبیعی و خواص غریزی نیز (متناسب با حیات انسانی او) در وی یافت می‌شود. از همین رو، در قرآن کریم از دین حنیف به عنوان تمایلی فطری که در سرشت و آفرینش انسان ریشه دارد، یاد شده است (ربانی-گلپایگانی، ۱۳۷۸).

۵-۴. سنت قدر الهی: این سنت بدان معناست که تقدیر امور به دست پروردگار است، آن‌سان که می‌فرماید: «وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی / ۳) منظور از هدایت در این آیه، همان هدایت تکوینی است که به صورت انگیزه‌ها و قوانین بر هر موجود حاکم است، اعم از انگیزه‌های درونی و برونی. دقت در ساختمان

هر موجود و مسیری را که در طول عمر خود طی می‌کند، به وضوح این حقیقت را نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی دقیقی برای او وجود داشته و دست هدایت نیرومندی پشت سر آن است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۲۰: ۲۶۵).

۵-۵ . سنت عرض امانت: از جمله سنن الهی سپردن امانت‌های الهی به آسمان‌ها و زمین است: «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب / ۷۲). امانت، همان تکلیف است، و مقصود از عرضه آن به آسمان و زمین و کوه و ابناء آن‌ها از پذیرش آن، عدم استعداد آن‌ها برای پذیرش تکلیف است، اما انسان چون استعداد پذیرش تکلیف را دارد این امانت را پذیرفت. از سویی، امانت چیزی است که حفظ و نگهداری و عمل به مقتضای آن موجب رستگاری و تخلف از عمل به مقتضای آن عقاب می‌باشد. بنابراین، اگر امانت به دین یا تکلیف یا عقل تفسیر شود، دین و تکلیف است که عمل بر طبق آن موجب کمال و رستگاری و تخلف از آن موجب شقاوت است و عقل هم که ملاک تکلیف است. در تفسیر شریف المیزان، امانت به ولایت الهی یا کمال صفت عبودیت تفسیر شده که از شناخت خدا و عمل صالح یا علم و عدل که نقطه مقابل جهل و ظلم مذکور در آیه شریفه هستند حاصل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۳۵۱-۳۴۸).

۵-۶ . سنت تبشیر و انذار یا سنت تشریفی: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ لَأَفِيهَا نَذِيرٌ»؛ (فاطر / ۲۴)، (نحل / ۹) و (بلد / ۱۰). که این سنت همان سنت هدایت از سوی انبیا است و سنت هدایت در معنای عام، جنبه اجتماعی ندارد و مربوط به سرتاسر جهان هستی است و در واقع هدایت همه موجودات توسط خداوند متعال است و همان سنت هدایت تکوینی است. در معنای محدودتر که جنبه فردی دارد، همان هدایت تشریفی تک تک افراد انسانی است و آیه ۱۰ سوره بلد به آن اشاره دارد و هدایتی است که جنبه اجتماعی دارد، یعنی هدایت انسان‌ها توسط انبیا، چون بعث و ارسال انبیا به سوی جوامع بوده است نه به سوی افراد، لذا جنبه اجتماعی دارد. مطلق و بی قید و شرط دانستن سنت مذکور هم بدین سبب است که فرستادن پیامبران، معلول افعال و رفتار انسان‌ها نیست، تا آنجا که حتی نخستین انسانی که آفریده شد، خود پیامبر بود (بهارلویی، ۱۳۸۵).

۵-۷ . سنت سنخیت میان مرسل و مرسل الیه: این سنت بر آن است که بگوید فرستاده خدا از نظر زبان و نوع باید با افراد یکسان باشد، چنان‌که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم / ۴). مراد از «لسان قوم»، تنها لغت و زبان مردم نیست، زیرا گاهی ممکن است گوینده ای با زبان مردم سخن بگوید ولی مردم حرف او را درست نفهمند، بلکه مراد آسان و قابل فهم گفتن است، به گونه ای که مردم

پیام الهی را بفهمند، چنانکه در آیات دیگر می‌فرماید: «یسرناه بلسانک» (مریم / ۹۷). بنابراین، پیامبران، با فرهنگ و زبان مردم زمان خود آشنا بوده و طبق فهم آنان تبلیغ می‌کردند. خداوند با مردم اتمام حجت می‌کند. رابطه رهبران دینی با مردم، عاطفی، صمیمی و مستقیم است. تبلیغ باید با شیوه‌ای ساده و صریح و روشن و برای عموم قابل فهم باشد و هدایت و ضلال خداوند بر اساس حکمت است (قرائتی، ۱۳۹۱).

۵-۸. سنت نفی حرج: یکی دیگر از سنت‌های الهی این است که خداوند متعال سختی و مشقت را بر بندگان خود نخواست است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره / ۱۸۵)، عبارتی، خداوند برای بندگان خودش یسر خواسته و عسر نخواست و این یک قاعده کلی است حتی در مسائل ذکر و زهد و عبادت. اگر ما خودمان را به مشقت بیندازیم، به زجر و شکنجه جسم و روح آدم بکشد، از نظر مکتب اهل بیت درست نیست و یسر نیست و مخالف متن آیه هم است و می‌شود نظم و نظام تصوف (مصطفوی، ۱۳۹۲).

۵-۹. سنت نفی ظلم از طرف خدا: همان‌گونه که در اصول دین نیز آمده است پروردگار عادل است و هیچ‌گاه نسبت به بندگان خود ظلم روا نمی‌دارد: «وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۱۰۸). آیه به صراحت نشان می‌دهد، ظلم خداوند نسبت به تمام جهانیان نفی شده است. نه تنها ظلم بلکه اراده ظلم هم نمی‌کند. اگر «عالمین» به معنای جمع عاقل در نظر گرفته شود، تمام موجودات عاقل جهان را اعم از انسان‌ها و جن‌ها و فرشتگان را شامل می‌شود و اگر حمل بر تغلیب شود، همه موجودات عالم هستی اعم از جاندار و بی‌جان را در بر می‌گیرد و عدل الهی را به معنای قرار دادن هر چیزی در محل مناسب خود، درباره آن‌ها تثبیت می‌کند. تعبیر به «ظلماً» به صورت مفرد نکره آن هم بعد از نفی، برای عمومیت است و کمترین ظلم و کوچکترین ستم را شامل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۳۷۵).

۵-۱۰. سنت بازتاب اعمال: یعنی هرکس هر چه انجام دهد اگر خوب باشد به نفع اوست و اگر بد باشد به ضرر خود اوست: «أَلْهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَّيْهَا مَا اَكْتَسَبَتْ» (بقره / ۲۸۶)، حدود ۳۱ آیه دیگر نیز در این زمینه وجود دارد. در حقیقت، هر عملی آثار متناسب با خود دارد. آثار برخی از اعمال فقط متوجه عمل‌کننده است. تأثیر بعضی از کارها وسیع‌تر است و افزون بر عمل‌کننده، به بستگان او نیز می‌رسد. پیامدهای بعضی اعمال، اجتماع را فرامی‌گیرد. این حقیقت و سنت الهی در جهان خلقت است که قرآن از آن خبر داده است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۸: ۶۰-۵۹).

۱۱-۵. سنت استعدادها: به موجب آن سعادت و شقاوت انسان‌ها به صورت علت مُعَدَّه یا ناقصه در سعادت و شقاوت فرزندان‌شان مؤثر است: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح / ۲۶ و ۲۷) (بهارلویی، ۱۳۸۵).

۱۲-۵. سنت دفاع از حق و سرکوبی باطل: یکی دیگر از سنت‌های الهی این است که پروردگار، همواره حقیقت را روشن و تقویت نموده، ظلم را فرو می‌نشاند: «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبِطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال / ۸). بنابراین، وعده‌های الهی به‌خاطر منافع شخصی و مادی افراد نیست، بلکه برای تحقق حق و محو باطل است. از سویی، حق، ماندنی و پابرجاست و باطل، فانی و رفتنی است. مهم‌تر این‌که، ترسی از عصبانیت و ناخوشایندی دشمن کافر و مجرمان نداشته باشیم، خداوند اراده خود را محقق خواهد ساخت (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۷۵).

۱۳-۵. سنت غلبه دین حق و یاری پیامبران: پروردگار، پیامبران خود را به طور خاص یاری می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر / ۵۱) و یاری حق چهار گونه است. نخست، پیروزی کامل حق و ریشه‌کن شدن باطل؛ دوم، خداوند جهان را به سوی حق رهبری می‌کند و سرانجام روزی می‌رسد که باطل جایی در آن ندارد؛ سوم، حق مطلق فقط خداست. بنابراین، همه چیز به سوی او باز می‌گردد و چهارم، در برخوردهایی که میان حق و باطل پیش می‌آید، خداوند برای این‌که حق پایمال نشود، جانب آن را می‌گیرد، اما نه به نحوی که به باطل هیچ میدانی ندهد (بهارلویی، ۱۳۸۵).

۱۴-۵. سنت مرگ و سنت‌های مربوط به آن: مرگ نیز از جمله سنت‌های تغییرناپذیر الهی است و هر جاندار روزی می‌میرد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران / ۱۸۵) و «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن / ۲۶). گرچه همه موجودات فانی هستند ولی هر کس در مسیر الهی باشد، کار فانی او را باقی می‌کند. لذا، مرگ، یک قانون عام و فراگیر است. به کسی جز خدا تکیه نشود که همه فناپذیرند. ارزش انسان با تقرب به خداوند است، نه داشتن امکانات. مرگ، گامی در مسیر تربیت انسان است. مرگ موجودات، نشانه نقص و تمام شدن قدرت و کرم الهی نیست که او صاحب جلال و کرامت است و جلال الهی همراه با رحمت و رأفت است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۳۹۲).

۱۵-۵. سنت عدم تقدیم و تأخیر مرگ در صورت فرا رسیدن اجل: اگر چه اجل تغییر می‌کند اما هر گاه اجل حتمی انسان سر برسد هیچ چیزی آن را تغییر نمی‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

بأنفُسِهِمْ» (رعد/ ۱۱)، این آیه یک قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند، قانونی که سرنوشت‌ساز و حرکت‌آفرین و هشدار دهنده است، این که مقدرات شما قبل از هر چیز، و هر کس، در دست خود شما است و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود آن‌ها بازگشت می‌کند. لذا، سربلندی و سرفرازی هر ملتی و یا به عکس ذلت و زبونی او به دست خودش می‌باشد. حتی لطف خداوند، یا مجازات او، بی مقدمه دامان هیچ ملتی را نخواهد گرفت، بلکه این اراده و خواست ملتها و تغییرات درونی آنهاست، که آن‌ها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد. به تعبیر دیگر، این اصل قرآنی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند که هرگونه تغییرات برونی متکی به تغییرات درونی ملتها و اقوام است و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی برسد از همین جا سرچشمه می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۱۰: ۱۷۴-۱۷۳).

۱۶-۵. سنت اختلاف درجات: خداوند متعال، انسان‌ها را با توجه به لیاقت و درجه ایمان آن‌ها بر دیگران برتری می‌بخشد و می‌فرماید: «أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (اسراء/ ۲۱). پس، برتری‌های افراد بر یکدیگر دو نوع است، گاهی به خاطر استعداد، ذوق، فکر، شرایط خانوادگی، جغرافیایی و امثال آن انسان دریافت‌هایی دارد که این‌ها لطف خداوند و همراه با مسئولیت و آزمایش است که این آیه به همین برتری‌ها اشاره دارد و گاهی برتری‌ها بر اساس ظلم و استثمار و استعمار است که حساب جداگانه‌ای دارد. بنابراین، توجه به حکمت اختلاف و تفاوت‌ها در خلقت، نیاز به تأمل و دقت دارد و جایگاه همه در آخرت، یکسان نیست و برتری‌های بس بزرگی وجود دارد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۵۳).

۱۷-۵. سنت تنبیه: خدا برای توجه دادن انسان‌ها و دور نمودن آن‌ها از غفلت، این سنت را روا می‌دارد: «فَأَخَذْنَا هُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام/ ۴۲). بنابراین، بعثت انبیا در میان مردم، یکی از سنت‌های الهی در طول تاریخ بوده است. تاریخ گذشتگان، عبرت آیندگان است. در تربیت و ارشاد، گاهی فشار و سخت‌گیری هم لازم است. مشکلات، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است و هر رفاهی لطف نیست و هر رنجی قهر نیست (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۵۶).

۱۸-۵. سنت آزمایش و سنت‌های وابسته به آن: هدف خلقت آسمان، زمین، مرگ و زندگی آزمودن بندگان است، به گونه‌ای که اگر آزمودن را از صفحه روزگار محو کنیم، زندگی بی‌معنا خواهد شد و خلق آسمان و زمین لغو خواهد بود. البته باید توجه داشت هدف نهایی آفرینش، همان تکامل انسان در سایه قرب الهی است، چراکه خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶)، ولی همواره در

افعال انسانی و الهی، آنجا که به امور مادی بازمی‌گردد، نیل به هدف نهایی یا اصلی در گرو مقدماتی است و یکی از آن اهداف میانی و مقدماتی برای کمال انسان، سنت آزمایش است، زیرا آزمایش در جایی مطرح می‌شود که موجود مختاری وجود داشته باشد و ابزارهایی برای سر دو راهی قرار گرفتن این موجود مختار، مهیا باشد. خداوند، جهان را به زیورهای جذاب آراست و انسان مختار را خلق کرد تا از این رهگذر، زمینه آزمایش و اختیار انسان پدید آمده و بستر تکامل (یعنی قرب الهی) که هدف نهایی خلقت است فراهم گردد، لذا همه سنت‌های مقید و وابسته که در حق مؤمنان و کافران وجود دارد وابسته به این سنت است: «وَلَبَلُّوْكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره/ ۱۵۵) (سلیمانی، ۱۳۸۹). از بررسی اجمالی سنت‌های مطلق الهی، چنین بر می‌آید که سنت دفاع از حق و سرکوبی باطل، «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال/ ۸) و سنت غلبه دین حق، «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر/ ۵۱) از جمله سنت‌هایی هستند که جزء قوانین اساسی آفرینش و تدبیر انسان، ثابت و عمومی بوده و استثناپذیر نیستند و هیچ سنت دیگری نمی‌تواند بر آن‌ها حاکم شود؛ پس سرنگونی داعش و امثالهم وعده‌های حتمی الهی بوده است.

در ادامه، به سنت‌های الهی بر حق مؤمنان و کافران که سنت‌های مقید هستند، اشاره می‌گردد:

≠ سنت‌های مربوط به مؤمنین

در تبیین سنت‌های مقید مربوط به مؤمنین، متذکر می‌گردد برای رسیدن به هدایت ویژه الهی، تلاش لازم است و در این مسیر، باید گام اول را خود انسان بردارد، گاهی، یک گام و یک لحظه تلاش خالصانه، هدایت و نجات ابدی را به دنبال دارد. آنچه به تلاش‌ها ارزش می‌دهد، خلوص است و نشانه نیکوکار بودن، تلاش در راه حق و اخلاص است. از سویی، راه‌های وصول به قرب الهی، محدودیتی ندارد، پس باید به وعده‌های خداوند اطمینان داشت، در این صورت، خداوند، هم راه قرب را به ما نشان می‌دهد و هم تا رسیدن به مقصد، دست ما را می‌گیرد. همراه بودن خدای بزرگ با بنده‌ای ضعیف، یعنی رسیدن انسان به همه چیز، چنان‌که در دعای عرفه امام حسین (ع) می‌خوانیم: «هر که تو را یافت، چه کمبودی دارد و هر که تو را از دست داد، چه دارد؟» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۲۹). در ادامه به سه مورد از سنت‌های مقید مربوط به مؤمنین، اشاره می‌گردد:

۱. خدا کسانی که دارای زمینه هدایت باشند، هدایت می‌کند. یعنی، کسی که در خود زمینه هدایت را به وجود بیاورد، هدایت می‌شود: «فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ» (بقره/ ۲۱۳). بنابراین، خداوند صراط مستقیم را که همان اسلام است برای هر کس که بخواهد که همان مکلفان هستند، بیان و دلالت می‌کند و آن‌ها را به لطف خویش هدایت می‌نماید، این هدایت مخصوص کسانی است که لیاقت و شایستگی این نوع هدایت را در علم خدا دارند. از همین رو، خداوند دست آن‌ها را گرفته و در این راه قرار می‌دهد (غیر از هدایت عمومی) که این نوع هدایت مخصوص مؤمنین است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۵). هم‌چنین حق تعالی می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت/ ۶۹)، این آیه نیز نشان می‌دهد خدای تعالی راه‌های آشکاری معین نموده و راه‌ها هر چه باشد، بالاخره به درگاه او منتهی می‌شود، مثلاً وقتی می‌گویند این راه سعادت است، معنایش این است که این راه به سوی سعادت منتهی می‌شود، پس راه‌های خدا عبارت است از طریقه‌هایی که آدمی را به او نزدیک و به سوی او هدایت می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۲۲۷).

۲. خداوند سرپرست مؤمنان و خداترسان است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره/ ۲۵۷). در حقیقت، مؤمنان، یک سرپرست دارند که خداست و کافران سرپرستان متعدد دارند که طاغوت‌ها می‌باشند و پذیرش یک سرپرست آسان‌تر است. از سویی، ولایت خداوند، رشد و ولایت طاغوت انحراف است. راه حق یکی است، ولی راه‌های انحرافی متعدد. راه حق، نور است و در نور امکان حرکت، رشد، امید و آرامش وجود دارد. هر کس تحت ولایت خداوند قرار نگیرد، خواه ناخواه طاغوت‌ها بر او ولایت می‌یابند. و هر ولایتی غیر از ولایت الهی، ولایت طاغوتی است. در نتیجه، توجه به عاقبت طاغوت‌پذیری، انسان را به حق‌پذیری سوق می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۱۰).

۳. شیطان بر آن‌ها که به فرمان خداوند باشند، سلطه‌ای ندارد: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر/ ۴۲). در آیه قبل، ابلیس گفت: من همه را گمراه می‌کنم جز افراد برگزیده و مخلص را. خداوند در این آیه می‌فرماید: این که تو حریف بندگان برگزیده‌ام نمی‌شوی، راه مستقیم و سنت من است، یعنی سنت من آن است که خودم ضامن حفظ آنان باشم، نه آنکه تو به آنان کاری نداری، بلکه نمی‌توانی به آنان کاری داشته باشی. بنابراین، شیطان بر آنان که بنده خدا و تسلیم او هستند، سلطه‌ای ندارد.

انسان به اختیار خود، ابلیس را پیروی می‌کند. اگر با عبادت و تقوا در مدار بندگان خدا درآمد، بیمه می‌شود. از سویی، کار شیطان وسوسه است، نه سلطه (در قیامت نیز ابلیس در پاسخ اعتراض مردم می‌گوید من تنها شما را دعوت کردم، ولی تسلط و اجباری بر شما نداشتم). پس، ابلیس وسوسه می‌کند و گاهی به ترک اولی نیز وادار می‌کند، لیکن گمراه و منحرف نمی‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۶۱).

≠ سنت‌های مربوط به گمراهان و کفار

۱. سنت اتمام حجت: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء/ ۱۶۵). گرچه عقل همچون وحی، حجت الهی است، ولی چون مدار ادراکاتش محدود است، به تنهایی کافی نیست و حجت تمام نیست. از سویی، انبیا از نظر صفات شخصی و جسمی، سوابق زندگی و موقعیت اجتماعی، سیاسی و خانوادگی و نیز از جهت داشتن معجزه، بیان صریح و برخوردارگی از امدادهای غیبی، باید در مرحله‌ای باشند که کسی نتواند در هیچ زمینه بهانه‌ای بر آنان بگیرد. لذا، انبیا از دانستنی‌های غیبی و ملکوتی و اخروی که دست عقل از آن کوتاه است خبر می‌دهند. از جهتی، فلسفه بعثت پیامبران، اتمام حجت خدا بر مردم است، تا نگویند رهبر و راهنما نداشتیم و نمی‌دانستیم (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۱۴).

۲. زیادت ضلالت: همان‌گونه که افراد مؤمن در جهت هدایت بیشتر از سوی خداوند همراهی می‌شوند، کفار نیز بنا به سنت الهی بر گمراهی‌شان افزوده می‌گردد و ابزار لازم در اختیارشان قرار می‌گیرد برای افزایش گناه. آیه شریفه «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف/ ۵) و نیز آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأَمْلَى لَهُمْ أَنْ كِيدَى مَتِينٌ» (اعراف/ ۱۸۳ و ۱۸۲) به همین موضوع اشاره دارند (صادق‌پور، ۱۳۹۷).

۳. سنت املاء و استدراج: این سنت که می‌توان آن را یکی از مصادیق سنت زیادت ضلالت و امداد اهل باطل قلمداد کرد بدین معناست که خدای متعال بر نعمت‌های مادی و دنیوی اهل باطل می‌افزاید تا فریفته و مغرور شوند و در راه خود استوارتر شوند و بر کفر خود بیفزایند و استحقاق عذاب بزرگ‌تر و دردناک‌تری را بیابند: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (آل عمران/ ۱۷۸). حضرت علی (ع) فرمودند: چه بسیارند کسانی که احسان به آنان (از جانب خداوند)، استدراج و به تحلیل بردن آنان است و چه بسیارند کسانی که به خاطر پوشانده شدن گناه و عیوبشان،

مغرورند و چه بسیارند افرادی که به‌خاطر گفته‌های خوب درباره آنان مفتون شده‌اند. خداوند هیچ بنده‌ای را به چیزی همانند «املاء» و مهلت دادن مبتلا نکرده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۵۸).

۴. سنت امهال: امهال در واژه یعنی «مهلت دادن» و در اصطلاح، یعنی خداوند متعال برای رعایت یک سلسله مصالح، در عقوبت اهل باطل تعجیل نمی‌کند، بلکه به آنان فرصت و مهلت می‌دهد و عذاب آنان را به تأخیر می‌اندازد. از آن‌جاکه این سنت پس از سنت استدراج صورت می‌گیرد، این سنت مشابه با آن است. در واقع، هدف الهی از اجرای این سنت، «آزمایش» است. این آزمایش هم در باب کافران جاری است و هم درباره مؤمنان (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۴: ۷۸). بنابراین، این سنت بدین معناست که خدای متعال، برای رعایت یک سلسله از مصالحی که ما به همه آن‌ها و قوف نداریم، در عقوبت اهل باطل تعجیل نمی‌کند، بلکه به آنان فرصت و مهلت می‌دهد، شاید همه یا بعضی از آنان پشیمان و نادم شوند و باز گردند و توبه کنند و یا از نسل‌شان انسان‌هایی حق طلب و مؤمن و صالح پدید آیند: «وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا» (فاطر / ۴۵)، (شوری / ۳۰) و (روم / ۴۱). از دیدگاه علامه طباطبائی، خداوند با مهلت دادن به کافران، آنان را می‌آزماید و تا مهلتی کام می‌دهد و به اصطلاح آنان را استدراج می‌کند و در عین حال، آزمایشی برای مؤمنان است (فرزندوحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

۵. ابتلا به مصائب: خدای متعال اهل باطل را به مصائب، شدائد و مشکلاتی دچار می‌سازد تا شاید آنان را تنبه و توبه‌ای حاصل آید: «وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (رعد / ۳۱). چنانچه از این آیه برمی‌آید، در جهان‌بینی الهی همه کاره خداست و اراده خداوند بر هدایت اختیاری انسان‌هاست، نه اجبار و اکراه آنان. از سویی، قهر خداوند اختصاص به جهان آخرت ندارد و کفار باید منتظر ضربه‌هایی از جانب خداوند بر کشور و مرزهای خود باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۳۶۳).

۶. تسلط مجرمان و مترفان: اگر هیچ یک از مصائب تنبیهی و جزئی کارگر نیفتاد و هیچ‌گونه تنبه و ندامت و توبه‌ای حاصل نشد و امیدی به بازگشت نماند، اهل باطل مستحق ریشه‌کن شدن (استیصال) می‌گردند، مقدمه این هلاکت کلی تسلط مجرمان است که سبب رواج کامل فسق و فجور در جامعه می‌شود: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء / ۱۶). در همین راستا، محرومیت‌ها، قطع یاری خدا، ازدست‌دادن دوستی خدا، عدم هدایت، مهر خوردن به قلب، دوری از

رحمت خدا، عدم پذیرش اعمال، جهد عمل کيفرها، لعن الهی، سرپرستی شیاطین بر آنها، خنثی شدن کید آنها و موارد دیگر، هر کدام، سنت‌هایی هستند که خداوند در حق کافران اعمال می‌کند (بهارلویی، ۱۳۸۵).

۷. عدم لیاقت ظالمین برای رهبری انسان‌ها از طرف خداوند: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/ ۱۲۴). از اهم شرایط رهبری، عدالت و حسن سابقه است. هرکس سابقه شرک و ظلم داشته باشد، لایق امامت نیست. از سویی، منشأ امامت وراثت نیست، لیاقت است که با پیروزی در امتحانات الهی ثابت می‌گردد. برای منصوب کردن افراد به مقامات، گزینش و آزمایش لازم است و حتی پیامبران نیز مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرند. این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید. این آیه، مقام امامت را «عَهْدِي» گفته است، پس آیه «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» یعنی اگر شما به امامی که من تعیین کردم وفادار بودید و اطاعت کردید من نیز به نصرت و یاری که قول داده‌ام، وفا خواهم کرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۹۶).

۸. سنت استیصال: از جمله سنت‌های اجتماعی خداوند در عقوبت جامعه‌های فاسدی که به آنها مهلت داده شده‌اند، هلاکت و نابودی آنان و پاک ساختن زمین از لوث وجودشان است. با توجه به آیه «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء/ ۱۵)، اتمام حجت، شرط اساسی عقوبت و دچار شدن به عذاب استیصال تعیین شده است. نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد، در باب آیاتی است که به این امر اشاره دارند که عدالت خداوند متعال اقتضا دارد در عذاب‌های استیصالی، مؤمنان واقعی را که به وظیفه فردی و اجتماعی خود به خوبی عمل کرده‌اند، نجات دهد. به‌طور کلی، به‌صورت یک سنت عمومی، در قرآن کریم تصریح شده است که مؤمنان یاری می‌شوند و از این عذاب‌ها نجات می‌یابند، و این سنتی است در مقابل سنت استیصال، چنان‌که در آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم/ ۴۷) به آن اشاره شده است. در تفسیر این آیه آمده است که برای مؤمنین حقی بر پروردگارشان هست و آن این‌که در دنیا و آخرت یاری‌شان کند. یکی از مصداق‌های یاری او از ایشان این است که از مجرمان انتقام بگیرد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۲۰۰-۱۹۹). هم‌چنین، سخن از ریشه‌کنی و براندازی و نابودی اقوام و جوامع گناهکار و ستمگر گذشته می‌رود، از جمله: «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ... أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخِرِينَ» (انعام/ ۶) و در بسیاری از آیات (اعراف/ ۴، انفال/ ۵۴ و یونس/ ۱۳)، داستان دچار شدن هر یک از اقوام و جوامع سابق به عذاب استیصال، جداگانه ذکر می‌شود مانند داستان قوم نوح، قوم هود، قوم صالح،

قوم لوط، قوم شعیب، فرعونیان اصحاب سبت، اصحاب رس، قوم تبع، اصحاب فیل و غیره که غالباً سبب هلاکت آنان، اموری از قبیل کفر، شرک، ظلم و غیره، بوده است (بهارلویی، ۱۳۸۵).

از بررسی اجمالی سنت‌های مقید الهی، چنین بر می‌آید که مطابق با سنت‌های خداوند سرپرست مؤمنان و خداترسان است، «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره/ ۲۵۷)، شیطان بر آن‌ها که به فرمان خداوند باشند، سلطه‌ای ندارد، «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر/ ۴۲)، زیادت ضلالت، «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف/ ۵)، سنت املاء و استدراج، «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأَمْلِي لَهُمْ أَنْ كَيْدِي مَتِينٌ» (اعراف/ ۱۸۳ و ۱۸۲)، ابتلا به مصائب، «وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (رعد/ ۳۱)، تسلط مجرمان و مترفان، «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/ ۱۶)، عدم لیاقت ظالمین برای رهبری انسان‌ها از طرف خداوند، «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/ ۱۲۴) و سنت استیصال، «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ... أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخِرِينَ» (انعام/ ۶)؛ سرنگونی داعش و امثالهم سنت‌هایی هستند که تحقق آن‌ها متوقف بر مقدماتی است که فراهم ساختن آن مقدمات در اختیار انسان است. رهبری قائد عظیم الشان اسلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قدرت معنایی جمهوری اسلامی ایران، قدرت و اراده مجاهدانی نستوه چون سردار رشید اسلام سپهبد قاسم سلیمانی و هم‌زمانش، نمونه‌های بارزی از تحقق وعده‌های الهی می‌باشد.

۶_ تاویل وعده‌های مؤکد نصرت الهی در قرآن در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین اجلاس بیداری اسلامی که در اواخر شهریور ماه سال ۱۳۹۰ برگزار شد از اولین توصیه‌هایی که به کشورهای منطقه کردند، انتقال تجربه‌های پیروزی ملت ایران به کشورهای منطقه در مقابل قدرتمندان جهان بود که از جمله آن تجربه‌ها، اتکا بر «وعده نصرت الهی» مورد تأکید قرار گرفت. نکته‌هایی که در فرمایشات رهبر معظم انقلاب درباره بیداری اسلامی آمده است از این حیث قابل توجه است که تحلیل‌های رهبری از مسائل جامعه و تاریخ، مبتنی بر آیات قرآنی است و بر پایه وعده‌های نصرت مؤمنین در قرآن بنا نهاده شده است. اولین سخن آن است که با توکل به خداوند و اعتماد و حسن ظن به «وعده‌های مؤکد نصرت الهی در قرآن» (حج/ ۴۰) و به‌کارگیری خرد و عزم و شجاعت،

می‌توان بر همه این موانع فائق آمد و پیروزمندانه از آن‌ها عبور کرد. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۲۶ شهریورماه ۹۰). «الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» «همان کسانی که بناحق از خانه‌های شان بیرون رانده شدند [آن‌ها گناهی نداشتند] جز این که می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است» (حج/ ۴۰)، لذا، با شروع شدن حرکت بیداری مسلمانان، سنت‌های الهی هم شامل حال آن‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، پیروزی حرکت بیداری اسلامی، همان تحقق وعده‌های الهی است. این وعده‌ها به حکم این که خداوند متعال در اجرای وعده‌هایش توانا است بدون هیچ‌گونه تردیدی خطوط آینده مؤمنان را ترسیم می‌کند. «امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن‌کلفت عالم که همه دنیا در اختیار آن‌ها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آن‌ها بسته است و این نشان‌دهنده وعده الهی است که فرمود: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» و فرمود: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأَوْلِيَاءَ». «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم، اینها وعده الهی است.» و فرمود: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ». «و خدا بر کار خویش چیره است»، این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانان به تدریج خود را نشان می‌دهد. اگر امروز، رهبر بزرگوار انقلاب، پایان عمر رژیم اشغال‌گر قدس را شجاعانه پیش‌بینی می‌کنند، یک وجه مهم آن به حاکمیت بلا منازع سنت‌های الهی برمی‌گردد.



نتیجه گیری

هرچند تحریف و ناخالص سازی اسلام یا کم کاری و تقصیر در صیانت از آن، یک واقعیت است، اما خدای متعال همواره از دین بر حق خود حراست کرده و خواهد کرد. در همین دوران ما، چه کسی می توانست وقوع انقلاب اسلامی را پیش بینی کند. در شرایطی که به ظاهر ایدئولوژی های الحادی اعم از کمونیسم و لیبرالیسم و غیره عالم را قبضه کرده بودند، و جهان اسلام گرفتار ارتجاع عمیق بود، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و آینده جهان را دگرگون کرد. در همین سال های اخیر، نباید نقش داعش را در انهدام جریان اسلام انقلابی نادیده گرفت اما همه با تعجب دیدند که چگونه طومار داعش از سوی انقلاب اسلامی پیچیده شد و یک رسوایی دیگر به رسوایی های غرب اضافه گردید. واقعیت این است که حق نمی تواند تا ابد پنهان بماند، و اراده الهی مقتضی این است که انسان و جامعه انسانی با دریدن پرده های سانسور و از بین بردن دستگاه جهل گستری، به حقایق و واقعیت های عالم دست پیدا خواهد کرد. چون سنت الهی در این جهان بر پیروزی نهایی حق بر باطل است، «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات / ۱۷۳). هم چنین، در سوره نور آیه ۵۵، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» کسانی که به آن ها وعده و نوید پیروزی نهایی و خلافت و وراثت زمین داده شده، مؤمنان شایسته کارند. به عبارت دیگر، در این آیه پیروزی انسان به ایمان رسیده و حقیقت دریافته و راست کردار اعلام شده است و آنچه در این پیروزی نوید داده شده یکی استخلاف است یعنی تصاحب قدرت و کوتاه کردن دست قدرت های پیشین و دیگر، استقرار دین یعنی تحقق یافتن همه ارزش های اخلاقی و اجتماعی اسلام از عدل، عفاف، تقوا، شجاعت، ایثار، محبت، عبادت، اخلاص، تزکیه نفس و غیره، سوم، نفی هرگونه شرک در عبادت یا طاعت. در سوره اعراف آیه ۱۲۸ نیز چنین آمده است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، یعنی سنت الهی این است که در نهایت امر، متقیان وارث زمین خواهند بود. هم چنین در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا الصَّالِحُونَ». آیات زیاد دیگری در این زمینه نشان می دهد که سنت الهی جاری در تاریخ بر پیروزی گروه ایمانی، گروه مؤمن و عامل به عمل صالح است. در حقیقت، ایمان پیروز است، عمل صالح پیروز است، تقوا پیروز است، چون سنت ما بر این است که این ها را به خاطر ایمان و عمل شان پیروز بگردانیم. بنابراین، هر تمدنی که بر خلاف

فطرت الهی و بر خلاف نظام احسن خلقت حرکت کند، هر قدر هم که قدرتمند باشد، منهدم خواهد شد. اگر عذاب الهی قوم لوط و قوم ثمود و غیره را از صحنه عالم محو کرد، امروز هم این واقعه قابل تکرار است. جهانی که امروز می‌بینیم در آینده با دگرگونی‌های بزرگی روبروست و خیلی از مناسبات و نظم‌های جهانی که از نظر بعضی غیرقابل تغییر است، به یقین تغییر خواهد کرد. با این وصف، هر میزان جامعه اسلامی جلوتر می‌رود، با امتحانات و ابتلائات سخت‌تری روبرو خواهد شد اما همین ابتلائات سخت است که رویش‌های عظیم‌تر و مستحکم‌تری را به دنبال دارد. همه باید بدانیم، مجاهدت در رکاب امام زمان (عج)، شامل حال انسان‌های بزرگ می‌شود و این انسان‌های بزرگ در طول تاریخ و در مواجهه با آزمایش‌ها و ابتلائات سخت متولد می‌شوند و لذا جریان حق، هر میزان جلوتر می‌رود، هم با امتحانات بزرگ‌تر و دشوارتری روبرو می‌شود، و هم رویش‌های بیشتری در بطن آن رقم می‌خورد. هر چه از عمر انقلاب بیشتر می‌شود، فتنه‌های بزرگ‌تر و پیچیده‌تری در انتظار ماست؛ چه فتنه‌های درون‌زا و چه فتنه‌های برون‌زا؛ بنابراین، باید آمادگی برای مواجهه با این فتنه‌ها در بین نیروهای انقلابی ایجاد شود.



منابع

- ۱- امامی، محمدجعفر (۱۳۸۶). راهنمای تفسیر نمونه. قم: دارالکتاب اسلامی (الاسلامیه).
- ۲- بخشنده‌بالی، عباس (۱۳۹۷). تطبیق دیدگاه ابن رشد و مولوی در مساله بایسته‌های اهل تائویل قرآن کریم. پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ۱(۱)، ۱۳۸-۱۱۰.
- ۳- بهارلویی، عبدالله (۱۳۸۵). برشماری سنت‌های الهی در قرآن. مجله شمیم یاس، شماره ۳۹، ۱۸-۱۴.
- ۴- تلمسانی، عقیف‌الدین سلیمان (۱۳۷۱). شرح منازل السائرین، تصحیح عبدالحفیظ منصور. قم: انتشارات بیدار.
- ۵- حبیبی، محسن و تیموری، شهناز (۱۳۹۷). سنت‌های الهی در باب ظهور و سقوط تمدن‌ها از نظر علامه طباطبائی. دوفصلنامه اندیشه علامه طباطبائی (ره)، ۵(۹)، ۶۱-۷.
- ۶- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶). پیش‌بینی محو داعش توسط رهبر حکیم انقلاب بر اساس موازین قرآنی. خبرگزاری تسنیم، تاریخ انتشار ۳۰ آبان ۱۳۹۶، ۱۲:۰۶؛ به نشانی الکترونیکی: <https://tn.ai/1579808>
- ۷- راستگو، کبری و ابراهیم‌پور، معصومه (۱۳۹۸). میدان معنایی مفهوم «نصرت» در قرآن کریم با تکیه بر محور هم‌نشینی. پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ۱(۲)، ۱۵۶-۱۲۶.
- ۸- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸). هدایت و معرفت فطری در احادیث. کیهان اندیشه، شماره ۸۴، به نشانی الکترونیکی: <http://ensani.ir/fa/article/107551>
- ۹- سلیمانی، جواد (۱۳۸۹). سنت آزمایش در منظومه هستی از منظر قرآن (فلسفه، تحول و رابطه با سایر سنت‌ها). سامانه نشریات معرفت، تاریخ انتشار ۰۸ اسفند ۱۳۸۹، ۱۳:۴۴؛ به نشانی الکترونیکی: <http://marifat.nashriyat.ir/node/792>
- ۱۰- صادق‌پور، محمدحسن (۱۳۹۷). بررسی مبانی جهان‌شناسی الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت، سنت‌های الهی، قوانین پایه حاکم بر مناسبات عالم. جوان آنلاین، تاریخ انتشار ۲۷ آبان ۱۳۹۷، ۰۴:۰۵؛ به نشانی الکترونیکی: <https://www.javanonline.ir/fa/news/934707>
- ۱۱- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۸). سنت‌های تاریخی در قرآن کریم. ترجمه سیدجلال میرآقایی. تهران: دارالصدر (پژوهشگاه شهید صدر).

- ۱۲- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۸). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۳- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: نشر مرتضوی.
- ۱۴- غفاری، ابوالحسن (۱۳۸۵). سنت امتحان در زندگی انسان. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- ۱۵- غلامی، رضا (۱۳۹۷). فلسفه الهی تاریخ و آینده جهان مهم ترین سنت های الهی در قرآن. خبرگزاری مهر، تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، ۱۶:۳۱؛ به نشانی الکترونیکی: <https://www.mehrnews.com/news/4448793>
- ۱۶- فرزندوحی، جمال؛ غلامی، حامد و محمدی، عباس (۱۳۹۴). سنن اجتماعی در قرآن از منظر علامه طباطبائی و سید قطب. دوفصلنامه اندیشه علامه طباطبائی (ره)، ۲(۲)، ۱۴۸-۱۱۷.
- ۱۷- قدس آنلاین (۱۳۹۵). مراد از سنت های الهی در قرآن چیست؟ پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۶/۲۶، ۱۶:۰۰؛ به نشانی الکترونیکی: <http://www.qudsonline.ir/news/457022>
- ۱۸- قرائتی، محسن (۱۳۹۱). درس هایی از قرآن تفسیر سوره ابراهیم. پایگاه سخنرانی مذهبی ایران صدا، به نشانی الکترونیکی: <http://sokhanrani.iranseda.ir/detailsalbum/?g=120614>
- ۱۹- قرائتی، محسن (۱۳۹۱). درس هایی از قرآن تفسیر سوره اسراء. پایگاه سخنرانی مذهبی ایران صدا، به نشانی الکترونیکی: <http://sokhanrani.iranseda.ir/detailsalbum/?g=132464>
- ۲۰- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- ۲۱- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر (شرکت چاپ و نشر بین الملل).
- ۲۲- مصطفوی، حسن (۱۳۹۲). تفسیر آیه ۱۸۵ سوره بقره در موضوع ولایت اهل بیت علیهم السلام. درس خارج فقه، تاریخ انتشار ۱۳۹۲/۱۱/۲۳، به نشانی الکترونیکی: <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/mostafavi/feqh/92/921123>



۲۳- مقصودلو، محسن (۱۳۹۶). سنت‌های الهی حاکم بر جامعه. کیهان، تاریخ انتشار ۱۳۹۶/۰۵/۲۵، ۱۲: ۱۸؛

به نشانی الکترونیکی: <http://kayhan.ir/fa/news/111531>

۲۴- مکارم شیرازی، ناصر و آشتیانی، محمدرضا (۱۳۹۵). تفسیر نمونه: تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواست‌ها، پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز. قم: دارالکتاب اسلامی (الاسلامیه).

۲۵- مؤدب، سیدرضا و دلیر، محسن (۱۳۹۷). مفهوم‌شناسی تأویل و کاربرد آن در تفسیر المیزان. پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ۱(۱)، ۳۲-۵۴.

۲۶- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۷- مهاجری، مسیح (۱۳۸۵). سنت‌ها از دیدگاه قرآن. اصفهان: ندای اصفهان.

۲۸- میرفخرالدین، بی‌بی فاطمه و میرفخرالدین، زینب‌السادات (۱۳۹۳). قرآن و اصول حاکم بر سنت‌های الهی. پایگاه معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه خاوران سراسر کشور، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۰۷/۲۰، به نشانی الکترونیکی: <http://pooyesh.whc.ir/article/view/12358>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی